

دکتر امید سهری راد

استادیار گروه تاریخ

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد

Omid_sehri@yahoo.com

چگونگی اهتمام و عنایت ایلخانان به شعائر اسلامی (بررسی مورد حج)

چکیده:

حج به عنوان یک فریضه مهم اسلامی و نیز از عوامل توجیه کننده قدرت و مشروعیت بخش همواره مورد توجه مسلمانان و سلاطین اسلامی بوده است. بر این اساس طی دوران اسلامی ایران، اهتمام در تدارک و اعزام کاروانهای حج، تعیین امیرالحاج و تأمین امنیت مسیر حرکت کاروانهای حج از وظایف حکام مسلمان تلقی می گردید.

تهاجم مغولان به قلمرو اسلامی، از بین رفتن حکومت خوارزمشاهی و خلافت عباسی و در نهایت برپایی دولت ایلخانی در ایران موجب پدید آمدن وضعیت جدیدی در ارتباط با انجام مراسم حج از سوی مسلمانان قلمرو ایلخانی گردید. این نوشتار با طرح این پرسش که؛ آیا یورش مغولان و استقرار دولت ایلخانی در ایران بر چگونگی انجام مراسم حج تاثیر منفی بر جای گذاشت؟ در پی آن است تا روند حج گزاری ایرانیان را بین سالهای ۶۵۷ تا ۷۳۶ هجری، بررسی، موانع موجود بر سر راه حج، مسئله بی تفاوتی ایلخانان بودایی و سعی ایلخانان مسلمان در اقامه فریضه حج را در چارچوب رقابت با ممالیک مصر مورد واکاوی قرار دهد.

بررسی صورت گرفته نشان می دهد که بر خلاف انتظار، اعتقادات شمنی و نفوذ بوداییان در عصر ایلخانان بودایی، موجب بی توجهی آنان به شعائر اسلامی نگردید. تفاوت معناداری بین ایلخانان بودایی و ایلخانان مسلمان در اهتمام به حج و اعزام کاروانهای زیارتی وجود ندارد.

کلید واژه: ایلخانان، حج گزاری، وفدالعراقی، امیرالحاج، حجاز، ممالیک.

مقدمه:

حج به عنوان یک فریضه مهم اسلامی و یکی از ارکان خمسۀ اسلام و نیز از عوامل توجیه کننده قدرت و مشروعیت بخش، همواره مورد توجه مسلمانان و سلاطین اسلامی بوده است. اهمیت این فریضه تا بدان حد بود که از جمله وظایفی که از نظر مسلمانان بر عهده سلاطین دیندار قرار داشت، تمشیت امور شرع و اقامه فریضه حج بود.

بر این اساس طی دوران اسلامی ایران، حکام اسلامی سعی داشتند با عنایت به مراسم حج، توجه کردن به زیارت کعبه و ذکر نامشان در خطبه‌های مکه و اهتمام در تدارک و اعزام کاروان‌هایی حج، تعیین امیرالحاج و تأمین امنیت مسیر حرکت کاروان‌های حج به سوی حجاز، موقعیت خود را در نزد رعایای مسلمان شان تثبیت نمایند و به لحاظ ظاهری نیز مشروعیت لازم را به دست آورند.

به رغم اهمیت موضوع، متأسفانه مورخین ایرانی اعتنای درخوری به مبحث حج مبذول نداشته‌اند. در بسیاری از منابع فارسی مورخین آن را مسکوت گذاشته یا به اختصار بیان کرده‌اند. در عوض منابع عربی با ذکر جزئیات درباره رقابت ایلخانان و ممالیک بر سر مراسم حج و چگونگی آن از طرف مسلمانان قلمرو ایلخانی سخن گفته‌اند.

بدیع بودن موضوع، ناشناخته بودن برخی از زوایای حج‌گزاری مسلمانان ایران در عصر ایلخانان، عمیق نبودن تحقیقات پیشین درباره این موضوع و بالاخره انتشار مواد و منابع پژوهشی جدید، ضرورت پرداختن دوباره به این مبحث را موجه می‌سازد.

مهم‌ترین پرسش‌های قابل طرح پیرامون این موضوع عبارتند از:

۱- آیا مغولان به دلیل بی‌اعتقادی به اسلام و این که مشروعیت خود را از سنت‌های مغولی می‌گرفتند، توجهی به موازین و ملاک‌های مورد قبول در سرزمین‌های اسلامی برای کسب مشروعیت در نزد رعایای مسلمان خود نداشتند و لذا هیچ عنایتی به زیارت کعبه و اعزام کاروان‌های حج نشان نمی‌دادند؟

۲- آیا یورش مغولان و استقرار دولت ایلخانی در ایران بر چگونگی انجام مراسم حج تأثیر منفی بر جای گذاشت؟

۳- چه تفاوتی بین ایلخانان بودایی و ایلخانان مسلمان در اهتمام به حج و اعزام کاروان‌های زیارتی و بهره‌برداری از منافع سیاسی- اجتماعی آن وجود دارد؟

۴- موانع موجود بر سر راه انجام فریضه حج در عصر ایلخانان چه بود؟

۵- آیا توجه به امر حج‌گزاری در دوره ایلخانان مسلمان بر اثر شکست‌های نظامی و در جهت رقابت سیاسی- مذهبی با ممالیک مصر بود؟

به عبارت بهتر آیا می‌توان از «بی‌تفاوتی» «ایلخانان بودایی» و «سعی بلیغ» ایلخانان

مسلمان در امر برگزاری حج توسط ایرانیان سخن گفت؟

تاکنون چندین پژوهش علمی سودمند توسط محققان ایرانی و خارجی پیرامون

حج‌گزاری مسلمانان قلمرو ایلخانی به صورت کتاب و مقاله تدوین شده است.

اولین گام در دوران اخیر در زمینه مطالعات حج‌گزاری ایرانیان در روزگار مغول، از

سوی خانم شیرین بیانی با نگارش کتاب «دین و دولت در ایران عهد مغول» برداشته شد.

ایشان با بهره‌گیری از پژوهش‌های جدید محققان غربی برای نخستین بار با انتشار فرمان

بازگشایی راه حج در عصر اباقا توجه علاقمندان را به اهتمام ایلخانان بودایی به شعائر

اسلامی جلب نمود.

گام اساسی بعدی توسط رسول جعفریان برداشته شد. او نخست با انتشار مقاله

«حکم فتح راه حجاز» و سپس با مقاله «احکام و فرمان‌های حج در زمان ایلخانان» و

همچنین دیگر مقالات روشمند و مرتبط خود از جمله مقاله «تاریخ حج‌گزاری مسلمانان و

سهم ایرانیان در آن» پژوهش‌های سودمندی انجام داد. این مقالات ارزشمند که با استفاده از

منابع و مآخذ عربی و فارسی صورت گرفته در روشن شدن زوایای ناشناخته حج‌گزاری

مسلمانان قلمرو ایلخانان بسیار مؤثر بوده است.

در سنوات اخیر سید ابوالفضل رضوی با نشر مقاله «رقابت ایلخانان مغول و

سلاطین مملوک بر سر حج» که احتمالاً اقتباس آزادی از مقاله چارلز ملویل (Chalres

Melville) تحت عنوان؛

The year of the Elephant (Mamluk - Mongol rivalry in the Hejaz in the reign of Abasaïd 1317-1335)

است، به جلوه‌هایی از حج‌گزاری ایرانیان و ساکنان عراق در عصر ابو سعید، آخرین ایلیخان مغول در ایران، پرداخته است. وی هم‌چنین در جدیدترین مقاله‌اش تحت عنوان «حج در عهد ایلیخانان» مجدداً حج‌گزاری ایرانیان و اهتمام ایلیخانان به آن را دستمایه کار خود قرار داد. گرچه این مقاله دانش علاقمندان به مبحث چگونگی حج‌گزاری در عصر مغول را غنا بخشید اما عدم بهره‌گیری وی از پژوهش‌های انجام یافته قبلی و عدم مراجعه به نوشته‌های رسول جعفریان در خصوص حج، در نادرستی تحلیل‌های وی در خصوص بی‌اعتنایی ایلیخانان بودایی به فریضه حج و تعطیل شدن حج در ایام حکومت آنان، بی‌تأثیر نبوده است.^۱

حج در عصر ایلیخانان بودایی:

اصولاً حج رفتن ایرانیان، بخشی از حیات مذهبی آنان از همان قرون اولیه اسلامی محسوب می‌شده است. در طول قرون، همواره کاروان‌های حج طی چهار محمل اعزام می‌گردید، محمل عراق، شام، مصر و یمن، کاروان حج عراقی، شامل تمامی حجاجی بود که از نواحی شرق اسلامی به حج می‌آمدند.^۲

تهاجم مغولان به قلمرو اسلامی موجب پدید آمدن وضعیت جدیدی در ارتباط با انجام مراسم حج از سوی مسلمانان قلمرو ایران گردید. با سقوط بغداد در سال ۶۵۶هـ/ ۱۲۵۸م و بر افتادن خلافت عباسی اعزام کاروان‌های زیارتی هم‌دچار مشکل جدی گردید. به طوری که تا یک دهه بعد از سقوط بغداد هیچ کاروان زیارتی از قلمرو ایلیخانان به حج اعزام نگردید. ضرورت اجرای فریضه حج و درخواست‌های مکرر مردم باعث شد تا دستگاه دیوانسالاری ایلیخانان برای برطرف کردن موانع و مشکلات دست به اقدام بزنند. سرانجام با پی‌گیری و به پایمردی خواجه عظاملک جوینی موانع از پیش رو برداشته، موفق به برقراری مجدد مراسم حج و بر پا داشتن مناسک آن که متروک مانده بود گردید.^۳

عظاملک جوینی که در دوران هلاکوخان حکومت و اداره بغداد را بر عهده داشت با جلوس اباقاخان در سال ۶۶۳/هـ ۱۲۶۵م به عنوان نایب یکی از امرای مغول به نام سونجاق آقا به حکومت بغداد منصوب شد. وی تا پایان سلطنت اباقاخان (۶۸۰/هـ ۱۲۸۲م) و یک سال در عصر سلطان احمد تگودار ادارهٔ عراق عرب را برعهده داشت و جمعاً به مدت بیست و چهار سال در این سرزمین حکومت کرد.^۴ در سال ۶۶۷/هـ ۱۲۶۹م زمانی که اباقاخان به بغداد آمد عظاملک جوینی وی را قانع کرد تا فرمانی (یرلیغ) مبنی بر فتح راه حجاز و برقراری امنیت مسیر آن صادر نماید.^۵

عظاملک جوینی بر طبق یرلیغ اباقاخان، اعلام کرد که راه حج باز شده و برای کسی عذری برای رفتن باقی نمانده و لذا مردم مهیای سفر حج شوند. سپس عرب‌های بین راه را فراخواند و مال فراوانی به آنان داد و از ایشان گروگان‌هایی گرفت که حجاج را ببرند و به سلامت باز گردانند. ضمناً کسی را معین کرد که در سفر حج سرپرست حجاج باشد. ابن فوطی تایید می‌کند که در این سال یعنی ۶۶۷هـ مردم برای انجام مراسم حج به مکه رفتند و به سلامت بازگشتند.^۶

این اولین اقدام در جهت باز شدن راه حج در عصر ایلخانان بود. از این زمان به بعد مسلمانان قلمرو ایلخانی تحت عنوان «وفدعراقی و قافله شرقی» به سفر حج رهسپار می‌شدند.^۷

اما همواره یکی از دغدغه‌های اصلی حج‌گزاران نا امن بودن راه و وجود «قطاع الطریق و سراق و حرامیان» بوده است.^۸ به طوری که در سال ۶۸۱/هـ ۱۲۸۳م حجاج عراقی و ایرانی نتوانستند از بغداد به حجاز بروند. زیرا در بین راه توسط قبایل عرب بدوی مجبور به پرداخت پول شدند و چون نتوانستند مبلغ درخواستی را بپردازند ناچار به موطن خود مراجعت کردند.^۹

به رغم باز شدن راه حج به جز گزارش‌های کوتاه ابن فوطی اطلاع دیگری از چگونگی حج‌گزاری مسلمانان قلمرو ایلخانی در عصر اباقاخان در دست نداریم. با جلوس سلطان احمد تگودار به عنوان اولین ایلخان مسلمان، تلاش‌های بیشتری جهت راه‌اندازی و

اعزام کاروان‌های زیارتی و صلح با ممالیک مصر صورت گرفت. احمد تگودار پس از کسب قدرت، تحت تأثیر علما و دیوانسالاران ایرانی درصدد مصالحه با ممالیک برآمد و فرستادگانی بین آنان مبادله شد. از مسائل مورد نظر در مکاتبات تگودار با ممالیک یکی مسئله حج و اعزام کاروانهای زوار ایرانی بود.^{۱۱} احمد تگودار دستور داد تا عواید اوقاف حرمین مکه و مدینه در قلمرو ایلخانی را جمع‌آوری کرده و هر سال به هنگام موسم حج به بغداد بفرستند تا خواجه عظاملک جوینی آن اموال را به خازنان کعبه برساند.^{۱۱} اما حکومت مستعجل سلطان احمد تگودار و شکست سیاست صلح جوینانه او مانع از ادامه این روند و اخذ نتیجه قطعی از آن شد.

هر چند گفته شده که قتل سلطان احمد تگودار و یک دهه (۶۸۳ - ۶۹۴ هـ / ۱۲۹۵ - ۱۲۸۵ م) حکومت ایلخانان بودایی و غیرمسلمان پس از او تا عصر غازان خان باعث شد که روابط با ممالیک و اعزام کاروان‌های حج مورد توجه قرار نگیرد و اهمیتی به امر حج‌گزاری مسلمانان قلمرو ایلخانی داده نشود^{۱۲} و حتی درباره ارغون خان نقل شده که به تحریک یهودیان و خصوصاً تحت تأثیر وزیر یهودی‌اش سعدالدوله بر آن شد تا کعبه را ویران کند.^{۱۳} اما اشارات و قراین موجود در برخی از منابع فارسی و عربی حاکی از آن است که کاروان‌های حج در سال‌های ۶۸۶ هـ / ۱۲۸۸ م و ۶۸۷ هـ / ۱۲۸۹ م برای انجام فریضه حج به مکه اعزام شده‌اند.^{۱۴} در سال ۶۸۶ هـ زوار قلمرو ایلخانی حج به جای آوردند و شادمان بازگشتند و از امنیت راه حجاز و ارزانی کالاها در مکه و مدینه خبر دادند. نیز در سال بعد هم (۶۸۷ هـ) مردم به حج رفتند و در بازگشت این بار برخلاف سال گذشته از قحط و غلا و کمبود آذوقه در مکه سخن‌ها گفتند.^{۱۵}

برخی نیز ضمن تایید سیاست ضداسلامی سعدالدوله، به صدور و ارسال فرمانی از سوی او به تاریخ رمضان سال ۶۸۸ هـ / ۱۲۹۰ م به بغداد اشاره دارند که طی آن از مقامات دیوانی بغداد خواسته تا تسهیلات لازم را برای علما و مسلمانانی که جهت انجام فریضه حج به عراق رفته بودند فراهم نمایند تا با آرامش و امنیت به حج اعزام شوند.^{۱۶}

از مندرجات این گونه منابع چنین استنباط می‌شود که در طی دهه سلطنت ایلخانان بودایی مذهب، کاروان‌های زیارتی مسلمانان از قلمرو ایلخانی به حج اعزام شده‌اند اما جزئیات مربوط به آنها به روشنی ثبت و ضبط نشده است. در عین حال اطلاعات به دست آمده نظر برخی از پژوهشگران را که معتقدند؛ مغولان به دلیل این که به دین اسلام اعتقادی نداشتند، توجهی به موازین و ملاک‌های مورد قبول در سرزمین‌های اسلامی برای کسب مشروعیت در نزد رعایای مسلمان خود نمی‌کردند و هیچ عنایتی به اعزام کاروان‌های حج نشان نمی‌دادند، زیرا اعتقادات شمنی مغولان و نفوذ بودائی‌ان و مسیحیان انگیزه‌ای برای توجه به شعائر اسلامی و عنایت به انجام مراسم حج باقی نمی‌گذاشت، مورد تردید جدی قرار می‌دهد.

از سوی دیگر تعطیلی حج در این دوره را نیز نمی‌توان ناشی از ممانعت و مخالفت و سیاست ضداسلامی مغولان به شمار آورد. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد، مسدود بودن راه حج بر اثر تعرض قبایل بدوی عرب و سایر قطاع‌الطریق‌ها، مشکلات طبیعی و فقدان امنیت در حجاز، سبب تعطیلی حج به صورت پیاپی بوده است. گاهی هم تأخیر خراسانیان سبب تعطیلی حج می‌شده است. در ۶۳۴ هـ عراقی‌ها حج به جای نیاوردند و عامل آن حمله مغولان به بغداد بود. مستنصر علما را گرد آورد و از ایشان خواست اجازه دهند تا حج تعطیل شود تا آماده جهاد شوند. آنان هم فتوا دادند. بدین ترتیب یک صد هزار نفر را برای دفاع از بغداد آماده کردند. هفت سال حج تعطیل بود تا آن که در سال ۶۴۰ کاروان حج عراق به حرمین عزیمت کرد اما باز تعطیل شد و مجدداً نه یا ده سال بعد؛ یعنی در سال ۶۵۰ هـ تعدادی از بغداد به حج عزیمت کردند.^{۱۷}

تعطیلی حج عراق امری عادی و مسبوق به سابقه بود و بنابراین عدم انجام این فریضه در آغازین سال‌های حکومت ایلخانی در ایران را نبایستی بر گردن مغولان گذاشت.

حج گزاری در عصر ایلخانان مسلمان:

به نظر می‌رسد از دوران غازان خان که رسماً مسلمان شده بود، بحث حج جدی‌تر شده باشد. اینک که دین اسلام در قلمرو ایلخانی رسمیت یافته بود غازان خان سعی کرد از فریضه حج نیز هم چون دیگر شعائر اسلامی برای اثبات اسلام دوستی خود استفاده نماید. یکی از اقدامات او در زمینه حج صدور فرمانی مبنی بر باز کردن راه حج و مکه و تأمین امنیت مسیر حرکت کاروان‌های زیارتی بود.^{۱۸} از اندک اطلاعات موجود چنین می‌توان نتیجه گرفت که در طی سلطنت غازان خان هر ساله کاروان‌های حج راهی حجاز می‌شدند و او مناسبات خوبی با شریف مکه داشته است. به طوری که یکی از پسران نجم‌الدین ابونمی شریف مکه، به نام عضدالدین عبدالله راهی تبریز شد و از سوی غازان خان مورد استقبال قرار گرفت.^{۱۹}

هم چنین در سال ۷۰۲ هـ / ۱۳۰۳ م غازان خان فرمانی مبنی بر تعظیم و تفخیم سادات مکه و خادمان بیت‌الله صادر کرد و چون راه مکه به واسطه اعراب بدوی مسدود و ناامن بود درصدد امنیت بخشیدن به آن برآمد و امیر قتلغشاه را به عنوان امیر الحجاج تعیین کرد. نیز در حدود هزار سوار با اسب و یدک و کوس و علم و بارگاه و سرا پرده و دیگر لوازم مراسم حج در اختیار قتلغشاه قرار داد. غازان خان همچنین محملی مخصوص و مزین به نام خود را نیز به همراه حجاج روانه حجاز کرد. برای تزئین کعبه پرده‌ای گرانبها فرستاد و دوازده تومان طلا جهت تأمین امنیت راه حج در وجه شیوخ عرب و قبایل سر راه و ملوک مکه و مدینه تعیین کرد.^{۲۰}

ظاهراً غازان خان قصد داشته با این تمهیدات، اسلام‌پذیری و شکوه و جلال خود را به رخ ممالیک و شرفای مکه بکشانند. البته چون بین غازان خان و ممالیک در این زمان منازعات سیاسی - نظامی پیشین هم چنان به قوت خود باقی بود و ممالیک تمایلی به پذیرش صلح نشان نمی‌دادند، غازان خان از تلاش خود جهت اعزام کاروان‌های حج و حمایت از ملوک مکه و مدینه نتیجه‌ای نگرفت. زیرا هیچ خبری از ورود زائران قلمرو

ایلخانی به مکه در سال‌های بعدی سلطنت غازان خان و نیز سلطان محمد اولجایتو در منابع فارسی و عربی گزارش نشده است.^{۲۱}

اقدام سلطان محمد خدابنده در حمایت از حمیضه بن نجم‌الدین ابونمی و دخالت او در امور مکه زمینه را برای حکومت ایلخانی فراهم ساخت تا در عصر سلطان ابوسعید در کنار اقداماتی که برای برقراری صلح با ممالیک صورت می‌گرفت، تلاش مضاعفی هم برای نفوذ در مکه و انجام برطمطراق مراسم و مناسک حج صورت بگیرد. بیشترین اخبار موجود درباره حج‌گزاری مسلمانان قلمرو ایلخانی مربوط به دوران سلطنت بیست ساله ابوسعید آخرین ایلخان مغول می‌باشد. زیرا تدین وی به اسلام و گرایش مجدد به مذهب تسنن پس از چند سال رسمیت تشیع در عصر اولجایتو و ضرورت مطرح ساختن حکومت ایلخانی به عنوان یک دولت کاملاً مسلمان او را وادار ساخت تا بیش از گذشته به برپایی مراسم حج و برطرف ساختن موانع و مشکلات پیش روی کاروان‌های حجاج اهتمام نماید. در هر صورت طی سال‌های ۷۱۶ هـ تا ۷۱۸ هـ / ۱۳۱۷ تا ۱۳۱۹ م که اداره شهر مکه در اختیار حمیضه، شریف مورد حمایت ایلخانان قرار داشت خطبه به نام ابوسعید مغول خوانده شد و کاروان‌های حج از عراق و خراسان به مکه رفتند و پس از انجام مناسک حج به سلامت به موطن خود مراجعت کردند.^{۲۲}

در سال ۷۱۸ کاروان عراق به حج اعزام شد و علی شاه، وزیر سلطان ابوسعید کسی را همراه این کاروان فرستاد تا دو حلقه طلای با ارزش را بر در کعبه آویزان کنند. اما امیرالحاج مصری گفت که بدون اجازه سلطان مصر، اجازه این کار را نخواهد داد. نماینده علی شاه که نامش حاج هولواوج - نایب‌السلطنه عراق بود گفت، وزیر نذر کرده است در صورتی که بر رشیدالدین فضل‌الله غلبه کند، این دو حلقه را در کعبه آویزان کند. دو حلقه برای مدت کوتاهی آویزان شد و سپس توسط امیر مکه برداشته شد.^{۲۳}

بنا به گزارش مقریزی، در سال ۷۱۹ هـ / ۱۳۲۰ م ملک ناصر سلطان ممالیک شخصاً به مکه رفت تا ضمن انجام مناسک حج امور آن جا را نیز سر و سامان دهد. با ورود سپاه ممالیک به حجاز، حمیضه مکه را رها کرد و برادرش رمیثه از سوی ملک ناصر امارت مکه

را در دست گرفت. به هنگام حضور ملک ناصر در مکه کاروان حجاج قلمرو ایلخانی که ظاهراً تعدادی از امرای مغول نیز جزو آنان بودند از ترس ملک ناصر مخفی شدند. سلطان ممالیک آنان را احضار کرد و مورد اکرام و محبت خود قرار داد.^{۲۴}

پس از آن به دنبال شروع مذاکرات صلح بین ایلخانان و ممالیک، سلطان ابوسعید علاقمندی خود به اقامه و اشاعه سنن اسلامی از جمله بهبود مراسم حج و امن گرداندن راه‌ها را به اطلاع سلطان رساند و از ملک ناصر خواست تا کاروان حجاج قلمرو ایلخانی بدون برخورد با مانع به سمت حجاز حرکت کنند.^{۲۵}

متعاقب این توافق، ابوسعید طی اعلانی، راه‌اندازی کاروان‌های حج را به اطلاع همگان در سراسر قلمرو ایلخانی رساند. از طرف ملک ناصر نیز به شریف مکه نامه نوشته شد که به حجاج قلمرو ایلخانی احترام گذاشته شده و به امور آنان رسیدگی شود.^{۲۶}

کاروان‌های حج از آن پس با آرامش و امنیت نسبی وارد حجاز می‌شدند. پس از این تمهیدات در سال ۷۲۰ هـ / ۱۳۲۱ م کاروان حجاج قلمرو ایلخانی موسوم به «وفد عراقی و قفل شرقی» به همراه «محمل شریف»^{۲۷} سلطانی با عظمت و شکوه بسیار در حالی که رایتی از حریر زرد و هلال طلایی در وسط آن در پیشاپیش کاروان در حرکت بود به راه افتاد.^{۲۸}

مجدداً در سال ۷۲۱ هـ / ۱۳۲۲ م سلطان ابوسعید برای گسترش نفوذ خود در حجاز کاروانی بزرگ با محملی با شکوه به همراه پرده‌ای مزین به یاقوت و انواع جواهرات برای استفاده در پوشش کعبه، به راه انداخت. در بین راه اعراب بادیه نشین بر آنان تاختند و خواستار باج شدند اما با وساطت سلطان ممالیک موانع از سر راه برداشته شد. حجاج به مکه رفتند و پس از انجام مناسک حج مراجعت کردند. در این مراسم بعد از نام سلطان ممالیک به نام سلطان ابوسعید دعا خوانده شد.^{۲۹}

نظر به این که اعراب بادیه نشین مانعی مهم در سر راه اعزام کاروان‌های زیارتی قلمرو ایلخانی بودند ابوسعید برای حل مشکل اعراب و جلوگیری از غارت حجاج تصمیم

گرفت از بیت‌المال برای آنان مقرری تعیین کند تا دست از غارت و چپاول زوار بیت‌الله‌الحرام بردارند.^{۳۰}

به هر تقدیر، در طول سلطنت ابوسعید، حکومت ایلخانی به عنوان قدرتی مسلمان و مصالحه‌پذیر که سیادت و برتری ممالیک را در امور مکه و مراسم حج پذیرفته بود هر ساله کاروان‌های حج را به حجاز اعزام می‌کرد. به هنگام موسم حج «محمل عراقی» پس از محمل سلطان ممالیک و قبل از محمل سلطان یمن در حرکت بود و نام سلطان ابوسعید مغول هم پس از نام سلطان ممالیک در خطبه و دعا ذکر می‌گردید.^{۳۱}

علاوه بر اهتمام به راه‌اندازی کاروان‌های حج، اقدامات دیگری نیز از سوی حکومت ایلخانی برای کسب موقعیت برای ایلخانان در مکه و مدینه صورت پذیرفت. یکی از اقدامات، ارسال پرده‌های گرانبها جهت پوشش کعبه بود. به رغم این که تهیه پوشش کعبه منحصرأ بر عهده ملک ناصر سلطان مصر بود.^{۳۲} به دستور ابوسعید در سال ۷۲۱ هـ/ ۱۳۲۲م پرده‌ای مزین به انواع جواهرات گرانبها توسط حجاج به مکه ارسال گردید.^{۳۳}

اقدام بعدی، اعطای صدقات و خیرات به مجاورین و فقرا در ایام حج توسط زوار از طرف ابوسعید و امیر چوپان بود.^{۳۴} در این زمان، شیخ صالح دانیال عجمی مسئول دریافت صدقات ارسالی ایلخان ابوسعید و توزیع آن در بین نیازمندان بوده است.^{۳۵} ابن بطوطه که خود شاهد و ناظر این بخشش‌ها بوده می‌نویسد:

«زوار عراقی و خراسانی و سایر افرادی که با قافله عراقی می‌رسند پس از حرکت قافله شام و مصر، چهار روز دیگر در مکه می‌مانند و صدقات فراوان بر مجاورین و دیگران تقسیم می‌کنند. من خود شبی شاهد بودم که در حین طواف هر یک از مجاورین و فقرا که می‌رسیدند چیزی از نقد یا جامه می‌بخشیدند و حتی اتفاق افتاده که آنان یکی از فقرا را در حال خواب دیده و در دهنش طلا و نقره گذاشته‌اند تا بیدار شده است. من که به سال ۷۲۸ هـ با قافله عراق حرکت کردیم از این کارها زیاد می‌دیدم. و آن سال از بس که پول در مکه تقسیم کردند نرخ طلا در بازار آن شهر پایین آمد و

چندان طلا در بازار ریخته بود که صراف‌ها مثقال طلا را به هجده درهم نقره خرد می‌کردند».^{۳۶}

مهم‌ترین و تاثیرگذارترین اقدام حکومت ایلخانی در زمینه حج، انجام امور عام‌المنفعه نظیر احیای اراضی موات^{۳۷} و وقف آن به مکه، احیای چشمه‌ای در محل مروه و صفا،^{۳۸} ساخت مدرسه و حمام در شهر مدینه^{۳۹} به ویژه از سوی امیر چوپان می‌باشد. منابع عربی از امیر چوپان به عنوان «نائب المملکه القانیه» یاد و از تلاش‌ها و اقدامات عمرانی او در مکه و مدینه تجلیل کرده و او را بانی صلح میان ابوسعید و ملک ناصر معرفی کرده‌اند.^{۴۰} بار دیگر در سال ۷۲۸ هـ / ۱۳۲۹ م کاروان‌های زیارتی از قلمرو ایلخانی به حجاز رفتند. در این سال احمد بن رمیثه و مبارک بن عطیفه به همراه امیر محمد بن حویج امیرالحاج و شیخ دانیال عجمی از عراق به مکه رفتند و از جانب سلطان ابوسعید صدقات فراوانی بین مجاورین و اهل مکه تقسیم کردند.^{۴۱} بنا به نوشته قاضی نوراله شوشتری در این سفر امیر شهاب‌الدین یکی از امرای شریف مکه که نزد ابوسعید رفته بود در این سفر همراه حجاج بود. در پی حمایت او، محمل سلطان ابوسعید را بر محمل سایر سلاطین مقدم داشتند. امیر شهاب‌الدین وقتی از سفر حج برگشت مورد لطف ابوسعید قرار گرفت و از جانب سلطان امارت اعراب عراق عرب به وی واگذار شد.^{۴۲}

پس از آن نیز حجاج عراقی و خراسانی عازم حج شدند. به طوری که در سال ۷۳۰ هـ بار دیگر به حج رفتند. در این سفر محمل سلطان ابوسعید بر روی یک فیل حمل می‌شد. بر اساس نوشته مقریزی، حضور فیل باعث تعجب مردم و یادآور واقعه عام‌الفیل گردید و معلوم نشد که منظور و هدف ابوسعید از ارسال فیل به مکه چه بوده است.^{۴۳}

آخرین مورد از اعزام کاروان حج از سوی ابوسعید مغول که در منابع عربی منعکس شده مراسم حج سال ۷۳۴ هـ / ۱۳۳۵ م است که در این مراسم یکی از امرای مغول به نام یأسور در مراسم رمی جمرات طی توطئه‌ای که ظاهراً سلطان ابوسعید در آن نقش داشته به قتل رسید.^{۴۴}

پس از آن دیگر خبری از اعزام حجاج قلمرو ایلخانی در منابع ذکر نشده است. در حقیقت با مرگ ابوسعید در سال ۷۳۶ هـ/۱۳۳۷ م و نابسامانی‌هایی که در امور پیش آمد، اعزام کاروان‌های حج دچار اختلال شد. بدین ترتیب کاروان عراق برای سال‌ها با امنیت به حج می‌رفت تا آن که سلطان ابوسعید مرد و این وضعیت به هم خورد و حج برای سال‌ها تعطیل شد و دیگر احدی از ایران به حج نرفت. در واقع مناسبات خوب ابوسعید با الملک‌الناصر از یک طرف و روابط مثبت با شرفای مکه، سبب شد تا در طول حکومت ایلخانان، بهترین دوره در زمینه حج، همین دوره ابوسعید باشد.^{۴۵}

حاصل سخن:

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که حج به عنوان یکی از شعائر اسلامی در طول قرون همواره مورد توجه سلاطین اسلامی و مسلمانان به ویژه ایرانیان بوده است. لیکن موانع موجود بر سر راه حج از جمله وجود قبایل بدوی عرب که به غارت کاروان‌های زوار می‌پرداختند، موانع طبیعی، دیرکرد کاروان خراسان و ماوراءالنهر و فقدان امنیت در حجاز هرازگاه موجب وقفه و یا تعطیلی حج می‌گردید.

یورش مغولان به قلمرو اسلامی موجب پدید آمدن وضعیتی شد که منجر به تقویت موانع پایدار پیشین و توقف مقطعی حج‌گزاری ایرانیان گردید. اما تساهل و تسامح مذهبی مغولان و تلاش دیوانسالاران ایرانی دست به دست هم داده موانع را از سر راه برداشت و حج‌گزاری دوباره رونق یافت. بر خلاف انتظار، اعتقادات شمنی و نفوذ بودائی‌ان در عصر ایلخانان بودایی موجب بی‌توجهی آنان به شعائر اسلامی نگردید. اهتمام و عنایت آباقاخان و ارغون خان به ام حج درستی این مطلب را تایید می‌کند.

بر اساس آنچه گفته شد، گر چه شواهد و مستندات اندکی برای اثبات عدم تفاوت بین ایلخانان بودایی و ایلخانان مسلمان در اهتمام به حج و اعزام کاروان‌های زیارتی وجود دارد، اما اسلام‌پذیری باعث علاقمندی آنان به مسئله حج و سرزمین حجاز گردید. ایلخانان مغول از زمان سلطان محمود غازان خان تا ابوسعید سعی کردند با استفاده از مراسم حج و

تبلیغات مذهبی از طریق اعمال خیر و انجام امور عام‌المنفعه در مکه و مدینه و رقابت با ممالیک در جهت تأثیرگذاری در امور سیاسی حجاز و برقراری روابط نزدیک با شرفای مکه خود را به عنوان حکومتی اسلامی جا بیاندازند. این اقدامات سیاسی و تبلیغی، هر چند در کوتاه مدت، سبب گردید نفوذ ایلخانان در حجاز گسترش یابد. با اتکا به نوشته‌های مورخین عربی شاید بتوان گفت که در این عصر سعی بیشتری نسبت به گذشته در امر حج مبدول شده است.

یادداشت‌ها:

۱- در این خصوص نگاه کنید به:

شیرین بیانی، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷، ص ۳۹۹؛ رسول جعفریان، «حکم فتح راه حجاز»، میقات حج، سال ۴، شماره ۱۵ (بهار ۱۳۷۵): ص ۶۶؛ رسول جعفریان، «احکام و فرمان‌های حج در زمان ایلخانان»، میقات حج، شماره ۲۹ (پائیز ۱۳۷۸)؛ رسول جعفریان، «تاریخ حج‌گزاری مسلمانان و سهم ایرانیان در آن»، میقات حج، شماره ۵۷ (پائیز ۱۳۸۵)؛ سید ابوالفضل رضوی، «حج در عهد ایلخانان»، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۱۱-۱۲؛ سید ابوالفضل رضوی، «رقابت ایلخانان مغول و سلاطین مملوک بر سر حج»، کیهان اندیشه، شماره ۸۳، سال ۷۸.

Melville, Chalres, 'The year of the Elephant (Mamluk-Mongol rivalry in the Hejaz in the reign of Abbasaid-1317, 1335)' studia Iranica (21), 1992

۲- رسول جعفریان، «تاریخ حج‌گزاری مسلمانان و سهم ایرانیان در آن»، میقات حج، شماره ۵۷ (پائیز ۸۵)، ص ۷۵.

۳- شیرین بیانی، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲، ص ۳۹۹.

۴- عطا ملک جوینی، تاریخ جهانگشا، ج ۱، تصحیح علامه محمدقزوینی، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۸۰، ص ۴۹-۴۷.

- ۵- رسول جعفریان، «حکم فتح راه حجاز»، میقات حج، سال ۴، شماره ۱۵ (بهار ۱۳۷۵): ص ۶۶.
- ۶- ابن فوطی، الحوادث الجامعه، ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۸۱، ص ۱۴-۲۱۳.
- ۷- محمد بن هندوشاه نخجوانی، دستورالکاتب فی تعیین المراتب، ج ۲، بتصحیح عبدالکریم علیزاده مسکو: انیسیتتوی خاورشناسی ۱۹۷۱ ص ۲۱۴.
- ۸- همان، ج ۱، ص ۳۸۲؛ نخجوانی مکرراً از تعرض قبایل بدوی عرب به زوار « وفد عراقی و قفل شرقی» یاد کرده است.
- ۹- ابن فوطی، همان، ص ۲۵۵.
- ۱۰- ابن عبری، تاریخ مختصر الدول، ترجمه محمد علی تاج پور و حشمت ا... ریاضی. تهران: انتشارات اطلاعات. ۱۳۶۴ ص ۸۶-۳۸۴؛ آقسرائی، مسامره الاخبار، باهتمام عثمان توران. تهران: انتشارات اساطیر ۱۳۶۲، ص ۳۷-۱۳۶.
- ۱۱- وصاف الحضرة، تجزیه الامصار، ج ۱، باهتمام محمد مهدی اصفهانی بمبئی ۱۲۶۹، ص ۱۸-۱۱۳.
- ۱۲- شیرین بیانی، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۳، ص ۱۰۵۱.
- ۱۳- وصاف الحضرة، همان، ج ۲، ص ۴۳-۲۴۲.
- ۱۴- ابن فوطی، الحوادث الجامعه، ص ۲۷۲.
- ۱۵- همان، ص ۷۴-۲۷۲.
- ۱۶- وصاف الحضرة، همان، ج ۲، ص ۲۴۱.
- ۱۷- رسول جعفریان، «تاریخ حج گزاری مسلمانان و سهم ایرانیان در آن»، میقات حج، شماره ۵۷ (پائیز ۱۳۸۵)، ص ۷۸.
- ۱۸- نور الدین اژدری، غازان نامه منظوم، بکوشش محمود مدبری تهران: بنیاد موقوفات افشار. ۱۳۸۱، ص ۳۳۹.

- ۱۹- ابن عنبه، الفصول الفخریه، باهتمام سیدجلال الدین محدث ارموی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۳ ص ۱۲۲؛ رشید الدین فضل الله، سوانح الافکار، به کوشش محمدتقی دانش پژوه (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۸)، ص ۹۵ و ۸۴. وی طی نامه هایی فرزند خود را به انجام فریضه حج تشویق کرده است.
- ۲۰- وصاف الحضرة، تجزیه الامصار، ج ۳، ص ۳۹۱؛ شبانکاره ای، مجمع الانساب، صحیح میرهاشم محدث. تهران: انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۳، ص ۲۶۵، شبانکاره ای تنها از وقف چند پاره دیه به مکه سخن به میان آورده است.
- ۲۱- تنها اشاره به حج گذاری مسلمانان قلمرو ایلخانی در عصر اولجایتو مربوط به سال ۷۱۰ است. در این سال زمانی که ملک ناصر سلطان ممالیک در مکه مشغول انجام فرایض حج بود گروهی از حجاج مغول در مکه بودند که از ترس مخفی شدند ولی ملک ناصر امر به احضار آنها داد و آنان را اکرام کرد. رک؛ تغری بردی، النجوم الزاهره، ج ۹، بی‌نا، بی‌تا، ص ۵۹.
- ۲۲- ابن حجر عسقلانی، الدرر الكامنه، بیروت: دارالجلیل ۱۴۱۴ ق. ج ۳ و ۴، ص ۲۱۹-۲۱۸.
- ۲۳- رسول جعفریان، «تاریخ حج گزارى مسلمانان وسهم ایرانیان درآن»، میقات حج، شماره ۵۷ (پائیز ۱۳۸۵)، ص ۸۶.
- ۲۴- مقریزی، السلوک، ج ۳، تحقیق محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه ۱۴۱۸، ص ۱۲.
- ۲۵- ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ترجمه عبدالمحمد آیتی تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۴ ص ۶۳۷.
- ۲۶- مقریزی، السلوک، ج ۳، ص ۳۱.
- ۲۷- محمدبن هندوشاه نخجوانی، دستور الکاتب فی تعیین المراتب، ج ۲، ص ۲۱۴.
- ۲۸- مقریزی، همان، ج ۳، ص ۲۸.
- ۲۹- همان، ص ۳۵.

- ۳۰- ابن حجر عسقلانی، الدرر الكامنه، ج ۱، ص ۵۰۱.
- ۳۱- ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ترجمه محمدعلی موحد. تهران: نشر آگاه. ۱۳۷۶، ص ۲۰۴.
- ۳۲- همان، ص ۲۱۳.
- ۳۳- مقریزی، السلوک، ج ۳، ص ۳۵.
- ۳۴- ابن الجزری، تاریخ حوادث الزمان و انبائه، ج ۲، بیروت: مکتبه العصریه ۱۴۱۹ ق، ص ۱۱۵.
- ۳۵- ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ص ۱۸۲.
- ۳۶- همان، ص ۲۱۵-۲۱۴.
- ۳۷- ابوالفداء، المختصر فی اخبار البشر، ج ۴، بیروت: دارالمعرفه بی تا، ص ۹۳؛ عسقلانی، الدرر الكامنه، ج ۱، ص ۴۲-۵۴۱.
- ۳۸- مقریزی، السلوک، ج ۳، ص ۹۰؛ حمداله مستوفی، نزهه القلوب، بتصحیح گای لسترنج. تهران: انتشارات دنیای کتاب ۱۳۶۲. ص ۴؛ شبانکاره‌ای، مجمع الانساب، ص ۲۸۵.
- ۳۹- حمداله مستوفی، نزهه القلوب، ص ۱۳؛ ابن الوردی، تاریخ ابن الوردی، بیروت: دارالکتب العلمیه. ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۲۸۱. بنا به نوشته ابن الوردی مدرسه ای که امیر چوپان در مدینه ساخت موسوم به «عمارت چوپانیه» بوده است. بعد از قتلش او را به حجاز آوردند و پس از طواف برای دفن به این عمارت بردند اما به دستور ملک ناصر از دفن او در مدرسه ممانعت به عمل آمد و در بقیع دفن گردید.
- ۴۰- ابن حجر عسقلانی، الدرر الكامنه، ج ۱، ص ۵۴۱.
- ۴۱- ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ص ۲۹۵.
- ۴۲- قاضی نورالله شوشتری، مجالس المومنین، ج ۲، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۶ ق، ص ۲۹۳.
- ۴۳- مقریزی، السلوک، ج ۳، ص ۲۰۶.
- ۴۴- همان، ص ۲۰۸.

۴۵- رسول جعفریان، «تاریخ حج گزاری مسلمانان و سهم ایرانیان در آن»، میقات حج،

شماره ۵۷ (پائیز ۱۳۸۵)، ص ۸۷.